

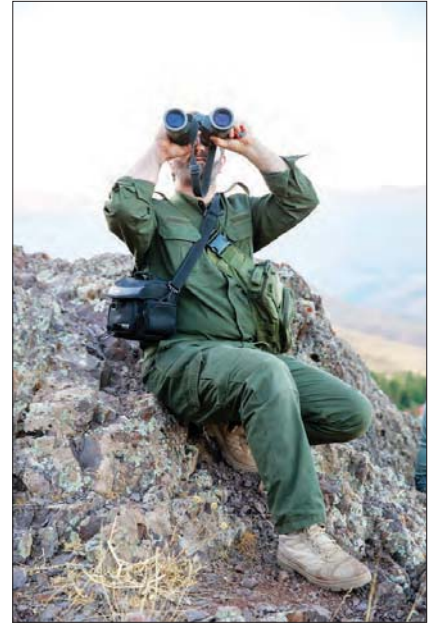
هر که زودتر ببیند

امهدی حسینی

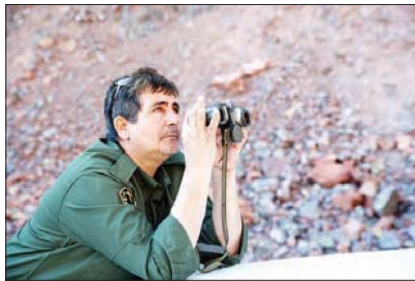
«دایره» که می‌خندد تمام صورت پرچین‌اش جمع می‌شود. ۴۶ ساله است، ترکمن باشکمی برآمده می‌گوید چون پر شده است به جز آندگی کاری از دستش ساخته نیست اما از پشت فرمان خودروی در حال حرکت گله‌های شکار (گله‌های بز و گل‌گوشه) می‌داند که چشم مسلح به سختی آن را می‌بیند. دسته کلید خودروی دایره یک شش‌گوشه متصل است با زاماده از دو واقعه متضاد: مرعی مانده در برف از تفنگ شکارچی و یوکه یادگار دوران جنگ. این تعارض زندگی او است که از دل واقعیت کوه‌ها و طبیعت بیرون می‌آید. هر کسی زودتر ببیند برنده است. «بجایبان یا شکارچی» هر کدام از «د» دیگری را زودتر ببیند، پیروز بر دست.



دیدبان گله، هر اقب است تا بقیه را آسودگی چر کنند



معیبان که پیش از طلوع در کوه منظر گذر حیوانات است



عبدالطیف دور وینا اقلب به «د» اور، در حال دور بین گشتی



دور بین و دسته کلید داور



گروه معیبان در حال رصد و شمارش گله‌های از بزها در کوهستان



بزیکه از گله به خاطر بزغاله‌اش جدا مانده، بزغاله از چشمه آب می‌نوشد



حمله کلان به عقاب، عقاب مجبور شد تا به ارتفاعات بالاتر برود



بزگترین آسیب حیات وحش چرای بیروجه امهاد در مراتع و حضور سگ‌های گله در نزدیکی گله‌های کل و بز است